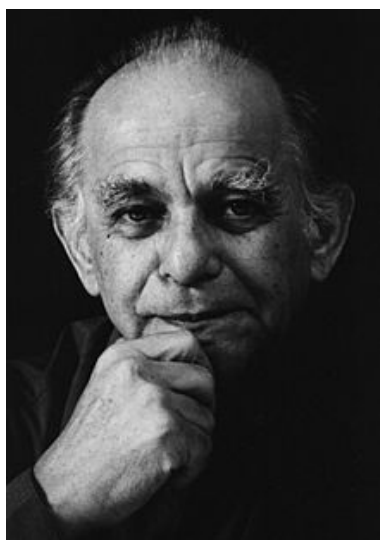


# فریدون مشیری:



## در شهر زشت ما

در شهر زشت ما،  
اینجا که فکرِ کوتاه و دیوارهی بلند  
افکنده سایه بر سر و بر سرنوشت ما!  
من سال‌های سال  
در حسرت شنیدن یک نغمه‌ی نشاط،  
در آرزوی دیدن یک شاخسار سبز،  
یک چشمه، یک درخت،  
یک باغ پرشکوفه، یک آسمان صاف،  
در دود و خاک و آجر و آهن دویده‌ام!

...

برگرفته از کتاب: گزیده اشعار فریدون مشیری؛ تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، مهرآیین ۱۳۸۰

تنظیم از سایت ریشه‌ها  
[www.nadersani.net](http://www.nadersani.net)